



موضوع: همانیدگی‌های پنهان

*کرمک است آن ازدها از دست فقر
پشه‌ای گردد ز جاه و مال صقر
-مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۱۰۵۶

ازدهای من ذهنی با پرهیز و صبر تبدیل به کرمی کوچک می‌شود و در اثر همانیدگی با مال و جاه پشه‌ای عقاب می‌شود. یعنی من ذهنی ناچیز دارای قدرت زیادی می‌شود و آن همانیدگی دارای قدرتی می‌شود که تمام بودن ما را از زیر سلطه خود درمی‌آورد ما با من ذهنی سروکار داریم که خواهنده است و هر چه بیشتر بهتر می‌خواهد. پس در یک سنی باید به فرزندانمان ضرورت را یاد دهیم بهرمندی بدون چسبیدن و وابستگی را باید یاد بدهیم این امکان وجود دارد که انسان بتواند با کم شدن همانیدگی‌ها به مقصودش، که همان زنده شدن به اصلش است زودتر دست پیدا کند، تمام مسائل ما ناشی از همانیدگی بیش از حد است که عقل ما را زائل می‌کند هر نیازی که بیش از حد مورد توجه قرار گیرد ما را گمراه می‌کند.

*ازدها را دار در برف فراق
هین مکش او را به خورشید عراق
-مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۱۰۵۷

ما باید من ذهنی را در سرمای دور از همانیدگی‌ها نگه داریم و او را در معرض خورشید حرص و جولان بیشتر نبریم منظور از این صحبت محروم کردن خود از موهبت‌ها نیست بلکه شناخت ضرورت و حرص از همدیگر است. توازن در همانیدگی بسیار مهم است.

*تا فسرده می‌بود آن ازدهات
لقمه‌ی اوپی چو او یابد نجات
-مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۱۰۵۸

من ذهنی را اگر در برف فراق نگه داریم نمی‌تواند کاری بکند اما وقتی گرمای حرص و همانیدگی به او بخورد ازدهایی می‌شود که همه را می‌بلعد. امکانات ارضا که به وجود بیاید همانیدگی‌ها خودشان را نشان می‌دهند. اگر امکانات ارضاء همانیدگی‌ها را همراه با حرص فراهم کنید شما را خواهد بلعید.

*مات کن او را و ایمن شو ز مات
رحم کم کن نیست او ز اهل صلات
-مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۱۰۵۹

هر کسی باید من ذهنی خودش را مات کند و گرنه مات او خواهد شد من ذهنی کمی که رشد می‌کند شروع می‌کند به لطمه زدن به ما، بودن در من ذهنی زمان دارد و باید هر چه زودتر از آن خارج شویم مانند حاملگی که ۹ ماه است ما هم باید هر چه زودتر از ذهن زاییده شویم. به من ذهنی رحم نکن چون او اهل بخشش و نیکویی نیست. من ذهنی همه ما را مات کرده است همه ما زیر سلطه او هستیم و نشانه‌اش فکرهای مسلسل راجع به همانیدگی‌هاست.

*کان تف خورشید شهوت برزند
آن خفاش مرده ریگت پر زند
-مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۱۰۶۰

گرمای خورشید همانیدگی و شهوت زیاد کردن آن‌ها و به نمایش گذاشتن و به ثمر رسیدن همانیدگی‌ها به من ذهنی می‌زند و این خفاش حقیر شروع به حرف زدن می‌کند، شروع می‌کند به تشعشع نیروی درد در جهان.

*میل‌ها همچون سگان خفته‌اند
اندر ایشان خیر و شر بنهفته‌اند
-مولوی، مثنوی، دفتر پنجم، بیت ۶۲۶

میل‌هایی که از همانیدگی‌ها می‌آید مثل سگان خفته‌اند که منتظر فرصتی هستند برای حمله و در آن‌ها خیر و شر نهفته است. میل اگر از مرکز عدم باشد سبب خیر می‌شود اگر با همانیدگی باشد سبب شر می‌شود.

*چون که قدرت نیست خفتند این رده
همچو هیزم پاره‌ها و تن زده

-مولوی، مثنوی، دفتر پنجم، بیت ۶۲۷
وقتی انسان قدرت و امکانات ندارد این همانیدگی‌ها نهفته‌اند همانطور که انرژی گرمایی در هیزم نهفته است در همه ما همانیدگی‌ها وجود دارند. اگر پیشرفت می‌کنیم امکانات بیشتر می‌شود مقامات بالاتری به دست می‌آوریم و امکانات ارضای همانیدگی‌ها فراهم می‌شود. اگر ما در خانواده عشقی بزرگ شده باشیم این کشیده شدن سبب اعتلاء ما و اگر در فضای درد بزرگ شده باشیم سبب تباهی ما می‌شود. وقتی امکانات نیست انسان نمی‌تواند عرض اندام کند و گمان می‌کند که همانیدگی ندارد در صورتی که همانیدگی هست ولی نهفته است ما باید به بچه‌ها کمک کنیم که همانیده نشوند. در درون تمام انسان‌ها نیرویی هست که از همانیدگی‌ها می‌آید و بر روی ما اثر می‌گذارد.

*تا که مرداری درآید در میان
نفخ صور حرص کوید بر سگان
-مولوی، مثنوی، دفتر پنجم، بیت ۶۲۸

اگر امکانات مادی پیش بیاید می‌بینیم که همانیدگی‌ها خودشان را نشان می‌دهند و حرص خواستن و زیاد کردنشان فعال می‌شود و سگان همانیدگی‌ها را بیدار می‌کند و آن میل شروع می‌کند به تخریب.

*چون در آن کوچه خری مردار شد
صد سگ خفته بدان بیدار شد
-مولوی، مثنوی، دفتر پنجم، بیت ۶۲۹

زمانی که ارضا یکی از همانیدگی‌ها فراهم می‌شود همانیدگی‌های دیگر هم خودشان را نشان می‌دهند و دردهای حاصل از همانیدگی‌ها که شامل مقایسه، حرص، زیاده خواهی، حسادت، رنجش، حس نقص، کمال طلبی و... همه بیدار خواهند شد.

*حرصهای رفته اندر کتم غیب
تاختن آورد سر بر زد ز جیب
-مولوی، مثنوی، دفتر پنجم، بیت ۶۳۰

حرصهایی که فکر می‌کردیم خاموش شده‌اند و در ما نیست آشکار می‌شود و خودش را نشان می‌دهد.

*مو به موی هر سگی دندان شده
وز برای حيله دم جنبان شده
-مولوی، مثنوی، دفتر پنجم، بیت ۶۳۱

انسان به یاد ارضای تمام همانیدگی‌هایش می‌افتد وقتی امکانات برایش پیش بیاید.

*نیم زیرش حيله بالا آن غضب
چون ضعیف آتش که یابد او حطب
-مولوی، مثنوی، دفتر پنجم، بیت ۶۳۲

نیمی از من ذهنی خواهنده حيله و نیمه دیگر آن خشم است مانند آتش ضعیفی که به او هیزم برسد و حالا حيله‌های من ذهنی شروع به خودنمایی می‌کند.

*شعله شعله می‌رسد از لامکان
می‌رود دود لهب تا آسمان
-مولوی، مثنوی، دفتر پنجم، بیت ۶۳۳

وقتی امکانات پیش می‌آید من‌های ذهنی متوجه می‌شوند که نیروهایی از درون برای ارضاء شدن فشار می‌آورند و شعله‌های سوختن از لامکان می‌رسد و آسمان درون از این حرص سیاه و پر درد می‌شود.

*صد چنین سگ اندرین تن خفته‌اند
چون شکاری نیستشان بنهفته‌اند
-مولوی، مثنوی، دفتر پنجم، بیت ۶۳۴

تعداد زیادی همانیدگی در مرکز ما هستند ولی چون شرایط فراهم نیست خوابیده‌اند و این نشان می‌دهد که کسی که به نظر انسان کاملی می‌آید ممکن است درون او صدها سگ همانیدگی خوابیده باشد و حرص و نیروی همانیدگی او جلوتر نرود.

*شبهوت رنجور ساکن می‌بود
خاطر او سوی صحت می‌رود
-مولوی، مثنوی، دفتر پنجم، بیت

*چون ببند نان و سیب و خربزه
در مصاف آید مزه و خوف بزه
-مولوی، مثنوی، دفتر پنجم، بیت ۶۳۷ و ۶۳۸

انسانی که از زندگی قطع شده و دچار ریب المنون شده وقتی در معرض همانندگی‌ها قرار می‌گیرد از طرفی تحت کشش آن‌ها قرار می‌گیرد و از طرف دیگر طلب رهایی از درد را دارد و این دو میل با هم در نبردند.

*گر بود صبار دیدن سود اوست
آن تهییج طبع سستش را نکوست
-مولوی، مثنوی، دفتر پنجم، بیت ۶۳۹

چنین انسانی اگر بتواند صبر کند و فضاگشایی کند و درد هوشیارانه بکشد این کشش به سود اوست و او با شناسایی و انداختن فضای عدم را در خود بیشتر خواهد گشود.

*ور نباشد صبر پس نادیده به
تیر دور اولی ز مرد بی زره
-مولوی، مثنوی، دفتر پنجم، بیت ۶۴۰

اما اگر تاب و قدرت پرهیز در برابر همانندگی‌ها و صبر را ندارد چه بهتر که خود را در مواجهه بیشتر همانندگی‌ها قرار ندهد برای چنین شخصی بهترین کار پرهیز است تا کم کم این فضای عدم در او باز شود و بتواند شناسایی کند که همانندگی دارد و یکی یکی همانندگی‌ها را بیندازد.

با تشکر و قدردانی از شما آقای شهبازی عزیز،
-ملاحظت